

هشتاد و یک سالگی جناب شبستری

بر این رواق زبرجد نوشته‌اند به زر

که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

مهر امسال، استاد مجتهد شبستری هشتاد و یک ساله شدند، عمرشان بلند باد، این سطور را به مناسبت در رسیدن سالروز تولد و به نیت ادای دین به ایشان می‌نویسم. سال‌ها قبل، کتاب «در باب روشنفکری دینی و اخلاق» خود را به جناب شبستری تقدیم کردم، به کسی که «زیستن اصیل را به ما آموخت». افزون بر ذهن وقاد و تاملات درازاهنگ و رهگشا در حوزه نواندیشی دینی در دهه‌های اخیر و انتشار آثار گران‌سنگی چون «هرمنوتیک، کتاب و سنت»، «ایمان و آزادی» و «نقدی بر قرائت رسمی از دین» - روایت خود از این جد و جهدهای مهم و بدیع را در دوره پانزده جلسه‌ای «شبستری شناسی» و برخی از مقالات خود، تقریر کرده و نوشته‌ام - سالهاست حریت و اصالت و صداقت شبستری را عمیقاً ستوده و تحسین کرده‌ام. چه وقتی با عزم و تصمیم شخصی از سلک روحانیت به در آمد، چه هنگامی که آراء نامتعارف خود درباره وحی را ابتدائاً با دوستان حلقه «حسینیه ارشاد» در میان نهاد و سپس در نشریه «مدرسه» منتشر کرد، چه زمانی که از برخی تجارب ناب اگزستانسیل و معنوی خود در گفتگوی با نشریه «اندیشه پویا» پرده بر گرفت؛ هیچگاه دست از طلب نشست و جانب حقیقت را فرو نهد.

در زمانه‌ای که «قرائت رسمی از دین» جای را برای ایمان‌ورزی آزادانه تنگ کرده و مجال چندانی برای تجربه‌های کبوترانه باقی نگذاشته، درخشیدن تک‌ستاره‌هایی چون شبستری در آسمان دیانت و معنویت و اخلاق، انصافاً دلگرم‌کننده و رهایی‌بخش است. چنانکه در یکی از مقالات «طرحواره‌ای از عرفان مدرن» آورده‌ام، شبستری یکی از سالکان مدرن است؛ سالکی که نسبت به فرآورده‌های معرفتی جهان جدید گشوده است و زیست - جهانش تغییر کرده، در عین حال دل‌مشغول ساحت قدسی هستی و زندگی معنوی در روزگار کنونی است. حشر و نشر با ایشان، بر این مهم مهر تایید می‌زند؛ خرسند و خوشوقتم که طی بیست و پنج سال گذشته، توفیق نشست و برخاست و گفتگوی بسیار با جناب شبستری را داشته و حظ معرفتی و معنوی وافر را نصیب برده‌ام. آرزو می‌کنم برای سالیان سال بمانند و بپایند و دریا صفت نزدیکیان را گوهر بخشند و دوران را باران.